

۱۰۴ - اما قضیه اینکه در صحف از

پیش نیز شمه ای از...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



۱۰۴ - اما قضیه اینکه در صحف از پیش نیز

شمه ای از این تعالیم الهی موجود

اما قضیه اینکه در صحف از پیش نیز شمه ای از این تعالیم الهی موجود آن تعالیم در زمان خود ترویج گشت و تأثیر نمود حال در دست ملل مانند آیت منسوخ میماند بهیچوجه حکمی ندارد. ملاحظه در ملت مسیح کنید که حال نفسی بوصایای آن حضرت الیوم عمل ننماید و همچنین نظر به اسلام کنید که بکلی از وصایا و نصایح الهی در قرآن بی خبرند لفظی خوانند اما از معنی بوئی نبرند. و همچنین حال هر چند طوائف و ملل سائر از فلاسفه بعضی از الفاظ بر زبان برانند که دلیل بر صلح و سلام باشد یا دلالت بر حسن رفتار کند ابداً حکمی ندارد گفتگوی محض است و لکن وصایا و تعالیم اسم اعظم نافذ در قلوب، ثابت در نفوس است آثارش ظاهر انوارش ساطع آیاتش باهر و اشاراتش لامع است. مثلاً ملک مقتدر امری بر زبان راند فوراً مجری و معمول گردد و آثار عجیبه در آفاق ظاهر شود آن کلمه امر را بعینه اگر شخص مجهولی بگوید و بکمال قوت بر زبان راند ابداً تأثیری ندهد و ثمری حاصل نگردد نفوذ کلمه ملوک مقتدر دلیل بر سلطنت و اقتدار اوست ولی لفظ شخص مجهول دلیل بر عجز و ناتوانی او بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون. باری شما نظر باین بیان نمائید حتی اجعل اورادی و اذکاری کلّها ورداً واحداً و حالی فی خدمتک سرمداء. و نزد هر عاقلی واضح



ORIGINAL



AUDIO

و مبرهن است که الیوم جسم عالم مریض است و مرض مزمن و شدید لابدّ باید که طبیبی حاذق علاج نماید. هر چند طبیبان از پیش آمدند و این بیمار را علاج و ترتیبی دادند ولی هر زمانی را حکمی و هر مرضی را دوائی در ایام سلف مرض نوعی دیگر بود و حال نوعی دیگر باید بنظر حقیقت ملاحظه نمود که امراض هائله هیكل امکان را به چه معالجه توان نمود البتّه باید متابعت طبیب حاذق کرد که آثار مهارت و حذاقت او واضح و مشهود است. و بتجربه رسیده است و شبهه نیست که امروز جمیع امراض مزمنه انسانی را داروی اعظم و دریاق فاروق اتحاد و اتفاق عموم طوائف و ملل و مذاهب بشر است و تعالیم بهاءالله از جهت وحدت عالم انسانی در نهایت نفوذ چنانکه ملاحظه مینمائید که الآن بسیار واقع که ملل و مذاهب مختلفه و اجناس متنوعه و قبائل متنافره جمعاً محفل واحد بیاریند و در نهایت محبت و الفت و یگانگی معاشرت و مصاحبت کنند و حکم یک جسم و یک جان دارند دیگر چه امریست در عالم که باین قوت علم وحدت عالم انسانی را در قطب امکان بلند نموده یا نماید باندک تفکر معلوم گردد.

